

کارنامهٔ اسلام

تألیف

عبدالحسین زرین کوب



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۸

فهرست مندرجات

صفحة	مقدمه
۱۱ >	۱- سیری اجمالی از آغاز تاکنون
۲۱ >	۲- تسامح، مادر تمدن انسانی اسلام
۲۶ >	۳- مقام رفیع دانش در اسلام
۲۹ >	۴- فرهنگ و تمدن انسانی و جهانی اسلام
۳۲ >	۵- تمدن اسلامی، منشأ يك فرهنگ عظیم انسانی
۳۴ >	۶- معجزه فرهنگ اسلامی
۴۰ >	۷- کتابها و کتابخانهها
۴۵ >	۸- مدارس و دانشگاهها
۴۷ >	۹- نهضت علمی مسلمانان
۵۲ >	۱۰- علم طب و بیمارستانها
۶۰ >	۱۱- داروسازی و علوم طبیعی
۶۵ >	۱۲- نجوم و ریاضیات
۷۳ >	۱۳- فیزیک و شیمی و فنون صنعت
۷۶ >	۱۴- جغرافیا و جهانگردی
۸۴ >	۱۵- تاریخ نویسی
۹۲ >	۱۶- ملل و نحل
۱۰۲ >	۱۷- عقاید و مذاهب
۱۰۸ >	۱۸- فلسفه و کلام و حکمت
۱۲۶ >	۱۹- روش تربیتی اسلامی

کارنامهٔ اسلام یک فصل درخشان تاریخ انسانی است. نه فقط از جهت توفیقی که مسلمین در ایجاد یک فرهنگ تازه جهانی یافته‌اند بلکه نیز بسبب فتوحاتی که آنها را موفق کرد به ایجاد یک دنیای تازه، و رای شرق و غرب: قلمرو اسلام که در واقع نه شرق بود نه غرب.

فتح اسلامی البته با جنگ حاصل شد اما نشر اسلام در بین مردم کشورهای فتح شده به زور جنگ نبود خاصه در جاهائی که مردم، از نظر اسلام، اهل کتاب بودند یا در ردیف آن — یهود، نصارا، مجوس، و صابئین. درین میان تکلیف یهود و نصارا معین بود چون در اینکه آنها اهل کتابند اختلاف وجود نداشت. نسبت به مجوس تردید بود اما با آنها نیز به دستاویز حدیث معاملهٔ اهل کتاب شد. حتی بعدها بت پرستان اروپا و هند و تبت نیز توانستند به عنوان مجوس در قلمرو اسلام با پرداخت جزیه در صلح و آزادی بسربرند. صابئین هم که حکم اهل کتاب یافتند ظاهراً صبیها بودند که دیانتشان با نام یحیی عمید دهنده — یحیی بن زکریا — مرتبط بود و در واقع کتابی هم داشتند. اما در اوایل زمان عباسیان بقایای مردم حران — یونانیان عراق — نیز خویشان را صابئین خواندند و

به این گونه در ذمه مسلمانان درآمدند. در واقع، این اهل کتاب بهیچوجه مجبور به قبول اسلام نمی شدند چنانکه یهود بی شک در قلمرو اسلام راحتتر و مرفه تر بودند تا در قلمرو نصارا. بعلاوه، نصارای شرق نیز — نسطوریان، یعقوبیان و جز آنها — در قلمرو اسلام بیشتر از روم آسایش داشتند چنانکه مجوس هم جزیه‌یی که به اسلامیان می پرداختند بمراتب سبکتر و راحتتر از مالیات سرانه‌یی بود که پیش از آن به حکومت خویش — ساسانیان — می دادند. لیکن احساس راحت در همراهی با اکثریت یا علاقه به کسب امتیازات اجتماعی که فقط با گرویدن به اسلام برای آنها ممکن می شد، و همچنین مشاهده پیروزی مسلمانان بر دولت‌های مجوس و نصارا که هیچگونه معجزه‌یی هم برای حفظ آنها — مخصوصاً نصارا که دائم منتظر ظهور معجزات بودند — روی نداد ظاهراً از اسباب عمده شد در روی آوردن اهل کتاب به اسلام. سادگی و روشنی مبانی اسلام، و مناسبت عقاید اسلامی با مذاهب اهل کتاب، هم خود از جهات توجه اهل کتاب به اسلام بود. درست است که بعضی خلفا در معامله با اهل ذمه خشونت نشان می دادند، از تجدید بنای معابدشان جلوگیری می کردند، یا آنها را از اشتغال به کارهای مهم منع می نمودند، یا وادارشان می کردند لباسهای نشاندار بپوشند، بعضی شان حتی برخی از آنها را به عتف وادار می کردند که مسلمان شوند، عامه مسلمانان نیز گاه تحریک می شدند و به آزار آنها دست می گشادند، اما این احوال بندرت اتفاق می افتاد و بی دوام بود، چنانکه رویهمرفته اهل کتاب در قلمرو اسلام در صلح و آرامش به سر می بردند. در هر صورت اسلام رفته رفته در سرزمینهای فتح شده انتشار و قبول می یافت و این انتشار و قبول نه از راه عتف و فشار بود بلکه بسبب مقتضیات و اسباب گوناگون اجتماعی بود و پیشرفت نظامی اعراب.

این پیشرفتهای نظامی، که در واقع دنباله غزوات پیغمبر بود، از